

از فرط بیخوابی

جزیره سرگردانی*



مهرداد حجتی

● سی‌وینجمین جشنواره بین‌المللی جشنواره فجر در حالی فردا کار خود را به پایان می‌برد که در طول سی‌وچند دوره‌اش با تغییر مدیریت‌ها بارها دست‌خوش تغییر شده است. آخرین تغییر و البته مهم‌ترین آنها جداشدن آن از بخش سینمایی ملی بوده است؛ اتفاقی که برای نخستین‌بار همین چندسال پیش رخ داد و بسیاری را شگفت‌زده کرد؛ چون از قرار معلوم از ابتدا بنا نبود بخش ملی و بین‌الملل یکجا برگزار شوند و میهمانان خارجی هم در طول برگزاری ۱۰روزه آن بتوانند با تولیدات سینمای ایران آشنا شوند. بازار فیلمی هم که همه‌ساله در کنار جشنواره برپا می‌شد این امکان را فراهم می‌کرد تا نمایندگان شرکت‌های بین‌المللی بخش‌کننده فیلم بتوانند با آثار متنوع ایرانی و هنرمندان تولیدکننده آنها آشنا شوند و از این طریق شرایط برای خرید و توزیع گسترده آثار ایرانی فراهم شود. به‌همین‌دلیل هم‌زمانی دو بخش جشنواره تمهید شده بود. چون از همان ابتدا معلوم بود که بنا بر برخی ملاحظات و محدودیت‌ها، امکان برگزاری جشنواره‌ای با استانداردهای بین‌المللی جشنواره سانسور موجود نیست. پس از همان ابتدا ترجیح داده شد به جنبه ویتربنی بخش بین‌الملل اکتفا شود و قید رقابت با جشنواره‌های معتبر جهانی زده شود. هرچه باشد نمایش هر نوع فیلم، آن‌هم بدون سانسور در بخش بین‌الملل میسر نبود که طبق قوانین بین‌المللی برگزارکنندگان اجازه دخل‌وتصرف و سانسور در فیلم‌ها را نداشتند. براین‌اساس راه‌اندازی جشنواره‌ای در قواره جهانی کاملاً منتهی بود، چه رسد به اینکه بتواند با جشنواره‌های بزرگی نظیر کن، ونیز یا برلین رقابت کند که این بیشتر به یک شوخی شبیه بود. با توجه به این پیشینه، در یکی، دوساله اخیر مسئولان سینمایی تلاش کرده‌اند با جادکردن بخش بین‌الملل جشنواره فیلم فجر و طراحی هویتی مستقل برای آن، به جشنواره‌ای متفاوت بیندیشند؛ جشنواره‌ای که در آن آثاری کمتر در دسترس اما قابل‌تأمل برای علاقه‌مندان به نمایش بگذارند تا از این رهگذر چندروزی فضای سینما را گرم کنند، اما اینکه آیا قرار است این رخداد تأثیری بر هم سینمای ملی بگذارد چندان معلوم نیست؟ آیا استقلال بخش بین‌الملل جشنواره می‌تواند در میان‌مدت یا درازمدت منتهی به یک جشنواره معتبر شود؛ این هم معلوم نیست؟ معلوم نیست به این دلیل که مدیران بعدی سینمای ایران هنوز معلوم نیستند. جشنواره‌ای که پس از سی‌وچندسال هنوز قاعده‌مند نشده و طبق چارچوبی روشن اداره نمی‌شود چگونه می‌تواند آینده‌ای روشن و با ثبات داشته باشد؟ از یک‌سو سخت‌گیری قوانین و از سوی دیگر بی‌ثباتی مدیریتی اجازه شکل‌گیری جشنواره‌ای باثبات را نمی‌دهد. ۲۵ دوره جشنواره با اجاره‌نشینی همراه بوده است. هنوز پس از این‌همه‌سال کاخی برای آن ساخته نشده است. کاخ که سهل است، حتی سالی‌نی برای آن تدارک دیده نشده است. جشنواره‌ها ما بیشتر به دوره‌می شباهت دارند تا جشنواره؛ رویدادهایی که در طول این‌همه‌سال هنوز به کمال نرسیده‌اند و گویا قرار هم نیست برسند. حتی گاه مناقشه بر سر بودن یا نبودن آن هم مطرح بوده است؛ آن هنگام که دولت احمدی‌نژاد قصد مدیریت جهان را داشت؛ همان دولتی که سعی داشت برای سینما ریل بسازد و خود سکان آن را در دست بگیرد؛ همه این فرازونشیب‌ها نشان می‌دهد که اموری از این دست – فستیوال یا جشنواره – هنوز در بند سلیقه‌ها اداره می‌شوند، بی‌آنکه آینده‌ای روشن داشته باشند. مادامی که برای این امور نهادهی مدنی تاسیس نشود و رشته امور به آن نهاد واگذار نشود، وضع به همین منوال خواهد بود. دیر یا زود تصدی‌گری دولتی باید جای خود را به تصدی‌گری مدنی و غیردولتی بدهد؛ اتفاقی که قطعاً منجر به رشد خواهد شد. آیا دولت آینده به تأسیس نهادهای مدنی همت خواهد گماشت؟ آیا بالاخره جشنواره فیلم فجر پس از این‌همه‌سال روی ثبات به خود خواهد دید؟ باید صبر کرد و دید. شاید پس از ۲۹ اردیبهشت در پرباشنای دیگر بچرخد!

*** تیتراژ داشت برگرفته از عنوان رمانی به همین نام از زنده‌یاد سیمین دانشور است.**

جارجی

نشست تخصصی

«هنر و زیبایی در اندیشه ابن هیثم»

● **شرق:** معاونت پژوهشی فرهنگستان هنر، نشست تخصصی «هنر و زیبایی در اندیشه ابن هیثم» را روز شنبه ۹ اردیبهشت برگزار می‌کند. در این نشست «احمد پاکتچی»، دین‌پژوه و نشانه‌شناس، عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع) و عضو شورای عالی مرکز داده‌المعارف بزرگ اسلامی و «سعید صالح طباطبایی»، نویسنده و پژوهشگر حوزه‌های فلسفه، زیبایی‌شناسی و هنر و مؤلف کتاب «ابن هیثم» با موضوع آرا و اندیشه‌های ابن هیثم، درباره هنر و زیبایی سخنرانی می‌کنند.نشانی: خیابان ولیعصر(عج)، پایین‌تر از چهارراه طالقانی، شماره ۱۵۵۲، طبقه سوم.

عسل عباسیان: «ابراهیم مختاری»، کارگردان پیش‌کسوت سینمای ایران که او را بیشتر با مستندسازی‌ها و مستندنگاری‌هایش می‌شناسیم، دومین فیلم داستانی‌اش را با عنوان «برگ جان» پس از ۲۴ سال کارگردانی کرد که یکی از سه فیلم ایرانی راه‌یافته به بخش آسیایی جشنواره جهانی فجر امسال بود. به این بهانه گفت‌وگویی داشته‌ایم که می‌خوانید.

۷ شما ۲۴ سال در سینمای داستانی فیلم نساختید. چرا این‌همه سال وقفه افتاد؟
این توضیح را بدهم که در این سال‌ها البته فیلم می‌ساختم، کار من که متوقف نشده بود. بعد از «زینت» که فیلم سینمایی داستانی بود، سه فیلم مستند ساختم که بعضی از آنها به اندازه فیلم سینمایی وقت گرفت و کار برد. قبل از «زینت» هم که مستند می‌ساختم.

۷ از سال ۵۱؟

تقریباً بله. خود فیلم سینمایی «زینت» هم باز ریشه در مستندسازی من داشت. من بندریاس بودم و با زینت دریایی آشنا شدم و یک فیلم سینمایی و به قول شما داستانی ساختم، بعد از آن یک فیلم مستند از خود زینت که الهام‌بخش من بود، ساختم. در واقع بعد از ۱۳ سال به او ادای دین کردم و فیلم مستند «زینت، یک روز بخصوص» را ساختم؛ اما برگ جان ریشه در اتفاقاتی دارد که در پشت صحنه فیلم «زعفران» رخ داده بود و من هیچ‌وقت نتوانستم فراموش‌شان کنم. فکر کردم تنها راه برای اینکه از دست‌وشان خلاص شوم، ساختن یک فیلم از آنهاست. نمی‌شد آن اتفاق‌ها را به‌صورت مستند کار کرد. پس برای این ماجراها پژوهش کردم و به‌صورت داستان نوشتن‌شان تا بالاخره با سرمایه خودم بعد از سال‌ها در نهایت «برگ جان» را ساختم.

۷ پس در واقع یک اتفاق مستند بهانه ساخت «برگ جان» شده است؟

بله یک اتفاق واقعی. البته اغلب آثار ریشه در رویدادهای واقعی دارند ولی کار من مستندسازی هم هست و این‌ موضوعی است که نمی‌شد از آن مستند بسازم و فکر کردم باید از قالب داستانی استفاده کنم. ابتدا یک فیلم‌نامه کوتاه نوشتم که آن موقع در جشنواره هنری ادبی روستا یک جایزه ویژه گرفت. همان موقع می‌خواستم بسازم. اگر اشتباه نکنم یدی نجفی صابردار فیلم زیر درختان زیتون آثای کیارستمی بود و برای من صحنه‌ای از آن فیلم را تعریف کرد حس کردم مشابه صحنه‌ای است که من در قصه دارم. فکر کردم اگر فیلمم را بسازم شائبه تقلیدکردن از زیر درختان زیتون به ذهن تماشاکر می‌آید، از ساختنش منصرف شدم؛ اما موضوع رهایم نمی‌کرد تا بعد از چند سال دوباره سراغش رقم، دیدم در فیلم کوتاه این مفهوم آن‌چنان که باید زمان برای جاگرفتن در ذهن ندارد و شاید به اندازه اهمیت موضوع هم دیده نشود. یکی، دو سال دیگر جست‌وجو به خراسان سفر کردم و فیلم‌نامه کار کردم تا به فیلم‌نامه بلند (سینمایی) رسید.

۷ با توجه به اینکه شما بیشتر فیلم‌های مستند ساخت‌اید، این‌طور نیست که مستند اولویت‌تان باشد و به فراخور سوره تصمیم می‌گیرید که مستند بسازید یا فیلم سینمایی؟

من مستند می‌سازم، فیلم داستانی هم به معنی سینمایی می‌سازم. دو کتاب هم نوشته‌ام که هر دو در مسیر کارم پیش آمده. وقتی به موضوعی برمی‌خورم که حس می‌کنم این‌ا را باید به دیگران هم عرضه کرد، ارزش عرضه به جامعه را دارد و اشتیاق مرا بیدار می‌کند، دست به کار می‌شوم. موضوع‌ها و رویدادهای که ریشه در فرهنگ ما دارد گاه باعث می‌شود سراغ نوشتن کتاب بروم، از عرصه فیلم‌سازی به عرصه نوشتن متن بروم. البته گمان می‌کنم این موضوع‌ها در بنیان‌شان به هم ارتباط دارند که من را به‌سوی خودشان می‌کشانند. مثلاً چند سال پس از ساختن فیلم مستند مکرمه، فیلم‌نامه سینمایی «مکرمه» را هم نوشتم.ام کتاب «مکرمه» را هم آماده کرده‌ام ولی هنوز چاپش نکرده‌ام. به نظر من این شخصیت‌ها و پدیده‌ها یک وجه ندارند، برای همین است که برایم جذاب هستند و رهایم نمی‌کنند؛ مثلاً هنوز هم درگیر موضوع «پهلوانی» هستم که راجع به آن کتاب «میراث پهلوانی» را نوشتم. از آن یک

هنر

گفت‌وگو با «ابراهیم مختاری»، کارگردان «برگ جان»

حقیقت، از دریچه واقعیت



طرح مستند درآوردم و یک فیلم‌نامه سینمایی از این موضوع دارم که امیدوارم روزی اینها را هم بسازم.
۷ کتاب‌های شما هم یک جورهایی مستند است. فیلم‌های داستانی‌تان هم ریشه‌های مستند دارند. با این اوصاف واقعیت از نظر شما چیست؟ به‌جنگ آوردن چه چیزی از واقعیت شما را قلقلک می‌دهد که به سمت نمایش دادن آن می‌روید؟

برای من آن واقعیتی که حقیقت عمیقی را تجلی می‌دهد، جذاب است. حقیقتی که پایدار است و شاید به بیان دیگری ما به آن خیلی نیازمندیم. می‌گوшیم اگر بتوانیم این حقایق را که با بنیادهای فرهنگی و جهان‌بینی ما ارتباط دارد در سینما بسازیم. یک وقت است که شما با پدیده‌ای روبه‌رو می‌شوید که نمی‌توانید از آن فیلم بسازید؛ مثل موضوع میراث پهلوانی که از آن کتاب درآوردم که خیلی هم وقتم را گرفت و من را از سینما دور کرد؛ ولی حس می‌کردم باید به این موضوع بپردازم. می‌گفتم حالا که من در تور این‌ موضوع افتاده‌ام و مفاهیمی پیدا کرده‌ام یا برای من پیدا شده، بهتر است به آنها بپردازم. اوایل کمی برایم سخت بود که کار فیلم را رها کنم. این فکر هم می‌آمد که نوشتن این کارها که بازده اقتصادی ندارند و در حیطه من نیست؛ اما هیچ‌کدام مانع نشد و پشیمان هم نیستم.

۷ آیا شما مایلید این واقعیت با آن حقیقتی را که می‌بینید، تفسیر کنید؟ احتمالاً نعل به نعل آن واقعیت علاقه‌مندی شما نیست و آنچه که در کارها می‌بینیم، این است؛ یعنی از صافی ذهن شما می‌گذرد و تفسیر شما از یک موقعیت است. مثل تقابل مرگ و زندگی؛ آنچه در «برگ جان» که مشخصاً به‌هانه‌اش داریم صحبت می‌کنیم، پیداست. این تفسیرکردن را دوست دارید؛ ضمن اینکه خیلی هم به‌رخ‌کشیدن در آن نباشد و نمایشی متکلف هم نباشد؟

داستان فیلم‌ها برداشت من از واقعیت است. واقعیت امر گفتری است؛ من به سلیقه و دیدگاه خودم آن تکه‌هایی از واقعیت را که گمان می‌کنم به می‌تواند حقیقت دلخواه من را متبلور کند، گردآوری می‌کنم. بعد باید بگوшم کاری‌کنم تا شکل داستانی و جذابی برای شخص ثالث هم داشته باشد. با بضاعت خودم تمام گوشوشم در این جهت است؛ گوشوش این است که تماشاکر بیشتری داشته باشم ولی اگر جذب تماشاکر نخواهد صدمه بزند، رهایم نمی‌کنم.

۷ بله، دقیقاً در «برگ جان» مؤلفه‌هایی وجود دارد که می‌تواند از آن حتی یک ملودرام سوزناک و احساساتی هم دریابید. کارگردانی که مشغول ساخت فیلم است و ناگهان متوجه می‌شود یک مسئله جدی دارد؛ این موضوع می‌تواند یک درام غلیظی را تشکیل دهد؛ اما برخورد شما در ساختن این فیلم، حداقل این است که به نظر می‌آید کمی آگاهانه و با فاصله سعی می‌کنید این موقعیت را تحلیل کنید و با آرامش به آن بپردازید. آنچه که در سایر کارهای شما هم مشخص است. حتی در شخصیت خود شما؛ یعنی یک‌جور طمانینه به‌جای ذوق‌زدگی وجود دارد؛ یعنی «برگ جان» می‌توانست در این فیلم ذوق‌زده شود؛ اما نیست...

بله، دقیقاً در «برگ جان» مؤلفه‌هایی وجود دارد که می‌تواند از آن حتی یک ملودرام سوزناک و احساساتی هم دریابید. کارگردانی که مشغول ساخت فیلم است و ناگهان متوجه می‌شود یک مسئله جدی دارد؛ این موضوع می‌تواند یک درام غلیظی را تشکیل دهد؛ اما برخورد شما در ساختن این فیلم، حداقل این است که به نظر می‌آید کمی آگاهانه و با فاصله سعی می‌کنید این موقعیت را تحلیل کنید و با آرامش به آن بپردازید. آنچه که در سایر کارهای شما هم مشخص است. حتی در شخصیت خود شما؛ یعنی یک‌جور طمانینه به‌جای ذوق‌زدگی وجود دارد؛ یعنی «برگ جان» می‌توانست در این فیلم ذوق‌زده شود؛ اما نیست...

البته من معمولاً در ابتدای کشف موضوع ذوق‌زده و دچار هیجان می‌شوم.
۷ البته منظورم ذوق‌زده‌کردن تماشاکار است...

سال چهاردهم • شماره ۲۸۴۹ • روزنامه شوق

آلبوم هفته

رگ خواب



● کم پیش می‌آید که آلبوم موسیقی فیلمی پیش از اکران خود فیلم به بازار بیاید، اما استقبال از تک‌ترک «آهای خبردار» بعد از برگزاری جشنواره موسیقی فجر، نمایش‌های محدود این فیلم و در پی آن ششیده‌شدن این قطعه با صدای همایون شجریان آن هم با کیفیت بسیار نازل باعث شد تا دست‌اندرکاران این آلبوم هرچه‌سریع‌تر به فکر انتشار آن بیفتند. در آخرین روزهای اسفندماه ۹۵، آلبوم «رگ خواب» سهراب پورناظری و همایون شجریان از سوی مؤسسه آفرینش هنر بارانا روانه بازار موسیقی کشور شد که در همین زمان محدود توانست پرفروش‌ترین آلبوم حال‌حاضر بازار موسیقی ایران شود. قطعاتی همچون «آهای خبردار»، «رگ خواب»، «ابر می‌بارد»، «گریه می‌آید مرا» و... از جمله شنیدنی‌ترین قطعات این آلبوم هستند.

کنسرت «گریستفر رضاعی»

● **شرق:** جدیدترین برنامه مجموعه فرهنگی سازباز با همکاری نشر موسیقی «م» به کنسرت کریستف رضاعی اختصاص یافت. قرار است تعدادی از بهترین نوازنده‌های سازهای کلاسیک تهران به سرپرستی بردیا کیارس روزهای ۱۶ و ۱۷ اردیبهشت در سالن خلیج‌فارس فرهنگ‌سرای نیاوران روی صحنه بروند. گزیده‌ای از موسیقی فیلم‌ها و آثار این آهنگ‌ساز که از سال‌های ۲۰۰۳ تا امروز نوشته شده است به اجرا درمی‌آید. برخی از این آثار عبارت‌اند از: موسیقی فیلم «در دنیای تو ساعت چند است؟» (صفی یزدانیان)، «زردی‌تر» (مصطفی احمدی) و...

راهنمای فرهنگی

نام فیلم	سینما
سینماهای نمایش‌دهنده	
آبادان	آزادی، گالری ملت، ارگ، تماشا، چارسو، زندگی، کورش، آفریقا، اریکه ایرانیان، ایران، جوان، شکوفه، فرهنگ، فلسطین، سمرقند، ماندانا
گشت ۲	آزادی، گالری ملت، ارگ، تماشا، چارسو، زندگی، کورش، کیان، اریکه ایرانیان، استقلال، ایران، بهمن، پارس، رازی، راگا، پیروزی، تیراز ۲۵، جوان، حافظ
سه‌یگانه	آزادی، گالری ملت، ارگ، تماشا، چارسو، زندگی، کورش، کیان، هنرمندان، اریکه ایرانیان، بهمن، پردیس رازی، راگا، پیروزی، جوان، سپیده، شاهد

تیراز ۲۵، جوان، حافظ، شاهد	اریکه ایرانیان، ایران، راگا، چارسو، زندگی، کورش، کیان، آزادی، گالری ملت، ارگ، تماشا،
تیراز ۲۵، جوان، حافظ، شاهد	اریکه ایرانیان، ایران، راگا، چارسو، زندگی، کورش، کیان، آزادی، گالری ملت، ارگ، تماشا،
تیراز ۲۵، جوان، حافظ، شاهد	اریکه ایرانیان، ایران، بهمن، پارس، راگا، چارسو، زندگی، کورش، کیان، آزادی، گالری ملت، ارگ، تماشا،

روز	کنسرت	تالار	ساعت
۸	پارتیزانت	وحدت	۱۸:۳۰
۷	گاه	رودکی	۲۰:۳۰
۸	طینوش‌بهرامی	رودکی	۲۱
۸	گره	برج آزادی	۲۰:۳۰
۷	محسن‌یگانه	سالن‌نمایشگاه	۱۸
۸	رستاک‌حلاج	برج میلاد	۲۱:۳۰

نام‌نمایش	تالار	ساعت
هملت	تئاترشهر	۲۰
یوف کور	چهارسو	۲۰
وارونه	سیاه	۱۸
محفل بی‌خاری	سیاه	۲۰
بی‌چدر	قشقلی	۲۰
خوستاگری	سنگاج	۱۹:۳۰
نویسنده مرده است	حافظ	۲۰

سونا‌ت‌پاییزی	سمندریان	۲۰:۳۰
ولین	ناظرز ادمکرمانی	۱۹:۱۵
سونا‌ت شب	انتقالی	۲۰:۳۰
شکستن سکوت	مولوی	۱۸
آدم آدم است	مولوی	۲۰:۳۰
کافه طره	پلیتخت	۱۹
تو با کدام باد ...	مستقل	۱۹
رومنو و ژولیت	مستقل	۲۰:۳۰
هدیه‌مرموز	پردیس تهران	۱۸:۳۰

نام‌نگارخانه	گالری
مژده	عنوان‌نمایشگاه
فردا	آثار ۳۵ هنرمند
گلستان	آرامستان، عکس‌های آلاله‌رستمی
ژاله	نقاشی‌های علیرضا اسماعیلی
	عکسهای ژانین از دیداری

در دوران «زعفران» وجود داشته؛ اما این فیلم همچنان دیدنی است. من خاطرم هست که شما یک فیلم خیلی مهم دیگری دارید که آن یک تأثیر اجتماعی خیلی شگرفی هم داشت؛ «اجاره‌نشینی». این فیلم باعث شد قوانینی در مجلس عوض شود.

از نظر زیباشناسی در دوره خودشم می‌توان گفت پیشرو بود و تأثیر گذاشت. امیدوارم یک روزی، تلویزیون آثار مستندی را که در آرشیو خود دارد، دریاورد و نمایش دهد و قابل دسترسی برای تماشاکر عام و جامعه ایرانی بکند.

۷ احتمالاً به فیلم شما با حال‌وهوایی که دارد امکان گسترده‌نمایش را نخواهند داد برای اینکه بازار بخش در دست بخش خصوصی است و بخش‌کننده ممکن است «برگ جان» را اکران وسیع نکند. نگران این نیستید؟

هستم ولی نمی‌خواهم مسیر را عوض کنم. این از خودرایی نیست. برای رسیدن به بعضی منظرها از حقیقت باید راه خودش را رفت.

۷ در واقع شما خودتان را تحصیل می‌کنید به مارکت به جای اینکه مارکت خودش را به شما تحمیل کند. یا شاید مالک کسی که خط خوشی دارد، حتی اگر تلاش هم بکند، نمی‌تواند بدخط باشد. این دیگر گریز ناگزیر است.

این از لطف شماس‌ت ولی اگر بخواهم درباره چیزهای دیگری که بضاعتشان را ندارم یا درباره موضوع‌هایی که به آنها علاقه ندارم، برای بازار فیلم بسازم، طبیعتاً فیلمی را که بدون علاقه ساخته‌ام برای تماشاکر هم دیدنی نخواهد بود. بهتر است من کار خودم را بکنم و تماشاکر خودم را داشته باشم و آنها را افزایش دهم. این‌جوری با هم یک ارتباط

مقابل و دوسویه خواهیم داشت. خیلی‌ها هستند که فیلم تجاری و گیشه می‌سازند و خوب هم می‌سازند نیست که ارتباط آن با واقعیت بریده شود. خودم فیلم بسازند؟ عده‌ای هم نوع دیگری از سینما را می‌سازند و می‌گویند گسترش دهند. تماشاکر بسته به نوع علاقه‌اش وقتی بداند در کجا می‌تواند کالای دلخواهش را به دست بیاورد، بازار نمایش فیلم گسترش و تنوع پیدا می‌کند و هر نوع از فیلم امکان جلب توجه متقاضیان خودش را پیدا می‌کند.

سینمای ایران مثل یک باغ است، در این باغ باید اجازه دهیم همه‌جور محصولی وجود داشته باشد. باید این مجموعه را یک جوری کمک کنیم که خاصیت باغ‌بودنش را داشته باشد. تماشاکری هم که به این باغ می‌آید، محصول خودش را پیدا می‌کند.

۷ بهانه این گفت‌وگو، جشنواره بین‌المللی جهانی فجر است که دو، سه سال هم هست که از بخش ملی جدا شده و فیلم شما یکی از سه فیلم در بین ۱۵ فیلم، نماینده ایران در بخش مسابقه فیلم‌های آسیایی است. تجربه اولین اکران «برگ جان» چطور بود؟

من فیلم را با نگرانی در سالن تماشا می‌کردم چون کپی نهایی فیلم را پیش از این نمایش ندیده بودم و وقت واریسی ایرادهایش را نداشتم. به این علت برای اولین بار فیلم را داشتم با تماشاگر می‌دیدم. نفس تماشاکر هم به من و هم به فیلم می‌خورد؛ برایم خیلی جذاب بود. نمی‌دانستم واکنش چیست چون وقتی که شما دارید فیلم را می‌سازید، نمی‌دانید که چه اتفاقی برایش می‌افتد. بعد که از سالن بیرون آمدم متوجه شدم فیلم برای گروهی از آنها جالب بود و به هر حال توانسته بود تماشاگرانی را جذب کند.

۷ در ساخت فیلم خیلی بر مبنای فیلم‌نامه جلو رفته‌اید؟

در ساخت می‌شود گفت چندان بر مبنای فیلم‌نامه جلو نرفتم. چیزهایی را موقع ساخت پیدا کردم و بخش‌هایی را هم کنار گذاشتم. در مرحله مونتاژ هم که مرحله سوم فرایند شکل‌گیری است،-و خیلی هم وقت‌گیر شد- همین اتفاق افتاد. فکر می‌کنم نتیجه‌اش خوب است.

۷ برنامه‌ای برای بعد از جشنواره مثل پیش‌بینی برای اکران یا حضورهای جهانی دارید؟
من خودم برنامه‌ای ندارم. فیلم را سپرده‌ام دست اهل این حرفه. امیدوارم «برگ جان» روی پای خودش بایستد و راه خودش را به دل تماشاکران باز کند.

لغو کنسرت معتمدی در بیرجند از سوی پلیس اماکن

محمد معتمدی از لغو کنسرتش در بیرجند از سوی پلیس اماکن خبر داد.
این خواننده در گفت‌وگو با خبرنگار آژانس خبری موسیقی ایران بیان کرد: در لغو کنسرتش در بیرجند گفت: درباره برنامه‌ریزی صورت‌گرفته قرار بود ۱۷ اردیبهشت در شهر بیرجند به روی صحنه برویم که امروز مطلع شدیم این اجرا از سوی پلیس اماکن لغو شده است. وی ادامه داد: در شرایط کنونی قرعه به نام من افتاده و دایم کنسرت‌هایم را لغو می‌کنند؛ در واقع تا امروز همه کنسرت‌های شهرستانم در اردیبهشت لغو شده‌اند که به هیچ عنوان دلپیش را نمی‌دانم و حتی نمی‌دانم از چه جایی و از سوی چه کسانی این کنسرت‌ها لغو می‌شوند. فقط درباره کنسرت بیرجند به من اطلاع دادند که از سوی پلیس اماکن



گفت: درحال‌حاضر دوستان مشغول رایزنی برای جایگزینی کنسرت هستند که امیدوارم این تلاش‌ها به ثمر بنشیند.
معتمدی در خاتمه با اشاره به کنسرت تهران خاطرنشان کرد: فقط کنسرت تالار وحدت تهران لغو نشده که البته اگر تا همان روز کنسرت به روی سن تالار نروم و پرده بالا نرود تا بتوانم بخوانم، باورم نمی‌شود که این کنسرت لغو شده است.